

تحلیل محتوای ریشه‌های فساد در بخش دولتی جوامع در حال توسعه

مینا علوی^۱، ابوالحسن فقیهی^{۲*}، مرتضی موسی‌خانی^۳، رضا نجف‌بیگی^۴^۱ دانش آموخته دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (عهده‌دار مکاتبات)^۳ استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۴ استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: شهریور ۱۳۹۷، اصلاحیه: مهر ۱۳۹۷، پذیرش: آبان ۱۳۹۷

چکیده

فساد اداری به عنوان جراحی قدیمی بر اندام سازمان‌های دولتی جوامع در حال توسعه، امروز به یکی از بحران‌های ملی تبدیل شده است و تداوم رو به گسترش این پدیده خطر سلب اعتماد مردم را در پی دارد. از این رو پژوهش پیش رو با هدف پاسخ به سؤال «ریشه‌های فساد اداری در سازمان‌های دولتی جوامع در حال توسعه چیست؟» انجام شد. به‌رغم رایج بودن دلایل فساد اداری، تاکنون مطالعه‌ی جامعی در این حوزه صورت نگرفته است. پژوهشگر با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا به تحلیل نتایج و یافته‌های پژوهشگران پیشین پرداخت و با انجام ۷ گام، ریشه‌ها را در ۲۹ مفهوم و ۸ مقوله طبقه‌بندی کرد. برای کنترل کیفی پژوهش‌های منتخب از چک‌لیست CASP و برای تأیید یافته‌ها از ضریب پایایی هولستی استفاده شد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داد همه‌ی عوامل در سطوح خرد (انگیزه‌های فردی و شرایط سازمان)، میانی (دولت) و کلان (جامعه و حاکمیت) به عنوان علل فساد، محتمل به نظر می‌رسند. در عین حال در بافت‌های مختلف جوامع در حال توسعه توافق در مورد علل فساد از حد مورد انتظار بیشتر است. در همه نقاط این جوامع چه فقیر و چه غنی، فساد با چند عامل همراه است؛ در سطح کلان، تهدید و تضعیف حاکمیت، جامعه مدنی توسعه نیافته، در سطح میانی، ضعف حاکمیت قانون، کاهش ظرفیت دولت، نبود توسعه اقتصادی، ضعف و در سطح خرد، مدیریت رفتار سیستم‌های سازمانی و ضعف مدیریت رفتار سازمانی پژوهشگران می‌توانند در تحلیل میزان و ویژگی‌های فساد موجود در کشورهای در حال توسعه ارتباط میان عوامل علی در سطوح مختلف را بیابند و با استفاده از مطالعات موردی مقایسه‌ای، بافت رفتاری فرد و گروه، بافت سازمانی، بافت دولت و همچنین بافت اجتماعی گسترده‌تر شامل وضعیت اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های اخلاق عمومی جامعه و حاکمیت مورد مطالعه قرار دهند.

کلمات کلیدی: فساد اداری، مرور سیستماتیک، تحلیل محتوا، کدگذاری، جوامع در حال توسعه

عفونت پیکره‌ی جامعه را فاسد کند [۱۷]. تریسمن (۲۰۰۷)، با تحلیل

فساد در بسیاری از کشورها تعداد محدودی از دلایل کلان را شناسایی کرد. وی با بررسی تلاش‌های انجام شده از سوی دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاددان‌ها که در دهه آخر قرن بیستم به چاپ رسیده بود، توانست تغییرات بین‌المللی ایجاد شده در مورد علل فساد را با استفاده از ارزیابی‌های ذهنی تبیین کند و اعتبار یافته‌های گزارش شده را به دست آورد. او اذعان می‌دارد «شواهد قوی حاکی از آن هستند که دموکراسی‌های لیبرال پرسابقه و بسیار توسعه‌یافته، با مطبوعات آزاد و پرمخاطب، با سهم زیاد مشارکت زنان در دولت و پیشینه‌ی تجارت آزاد بین‌المللی، کمتر فاسد تلقی می‌شوند. کشورهایی که به صادرات نفت وابسته هستند یا مقررات تجاری تحمیلی و تورم غیر قابل پیش‌بینی دارند، دارای فساد بیشتری هستند. گرچه جهت‌گیری علی این ادراک مبهم است، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که توسعه بیشتر موجب ادراک کمتر فساد می‌شود. با وجود این، با کنترل درآمد، بیشتر

۱- مقدمه

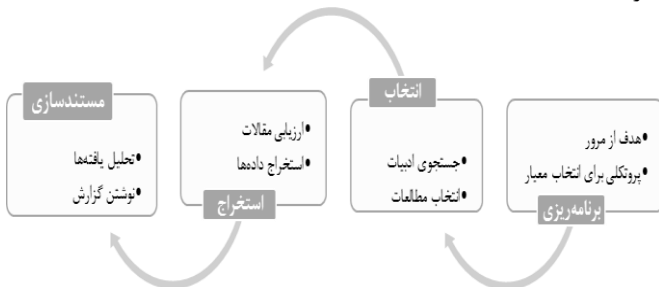
فساد یک مشکل جهانی است، گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی در زمینه فساد کشورها در سال ۲۰۱۶ میلادی نشان می‌دهد که تقریباً دو سوم از ۱۷۶ کشور جهان از نظر شاخص فساد اداری در جایگاهی پایین‌تر از نقطه میانی شاخص‌های جهانی که بین صفر تا ۱۰۰ تعیین شده است، قرار دارند [۲۶]. نظام اداری جوامع در حال توسعه نیز مدت‌هاست که از بیماری «فساد اداری» رنج می‌برد. فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌کند؛ بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است [۲]. به عبارتی فساد از عوامل اصلی بازماندن سازمان‌ها و نهادها از دستیابی به اهداف و از موانع اساسی رشد سازمان به شمار می‌آید [۱۴] [۲۲]. در حقیقت فساد اداری مانند عفونتی است که اگر به پیکر سازمان راه یابد، اعضای آن را یکی پس از دیگری عفونی کرده و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این

*faghihiabolhassan@gmail.com

شده و سپس یافته‌ها در قالب ریشه‌ها و علل زمینه‌ای آن احصاء خواهد شد. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده است توجه به متغیرهای زمینه‌ای ایجاد فساد اداری در ادبیات فساد سازمان‌های بخش دولتی است. این پژوهش با هدف مطالعه ریشه‌های فساد اداری در جوامع در حال توسعه با روش تحلیل محتوا انجام شده است و درصدد است پاسخی برای سؤال «ریشه‌های فساد اداری در سازمان‌های دولتی جوامع در حال توسعه چیست؟» بیابد.

۲- روش

در موضوعاتی که مقادیر فراوانی داده موجود است، با کمک مرور سیستماتیک می‌توان به‌دقت یافته‌ها را ارزیابی کرد [۶]. با توجه به فراوانی پژوهش‌ها در حوزه دلایل و ریشه‌های فساد اداری، مرور سیستماتیک ادبیات، با استفاده از الگوی آکولی و شابران (۲۰۱۰) بر اساس آنچه در شکل ۱ آمده، انجام شد. از آنجا که تحقق هدف پژوهش نیازمند یافته‌های جامع و تفسیری بود، مرور بر مبنای روش تحلیل محتوا انجام شد [۶]. تحلیل محتوا نوعی مطالعه کیفی است که بر اساس ارتباط با سؤال پژوهش، اطلاعات و یافته‌های حاصل از مطالعات دیگر را با موضوع مشابه بررسی می‌کند [۲۹]. به این منظور از روش والش و داوون (۲۰۰۵) استفاده شد. والش و داوون یک رویکرد هفت مرحله‌ای را برای انجام تحلیل محتوای کیفی ارائه کرده‌اند: (۱) ساخت یک چارچوب از کلیات پژوهش، (۲) جستجو و انتخاب پژوهش‌های مرتبط، (۳) در نظر گرفتن معیارهای انتخاب، (۴) ارزیابی پژوهش‌ها، (۵) مقایسه و تعیین همگرایی و واگرایی‌ها، (۶) تبدیل یافته‌های پژوهش‌ها به مفاهیم کاربردی، (۷) ترکیب [۲۸].



شکل (۱): راهنمای مرور سیستماتیک آکولی و شابران، ۲۰۱۰

مرحله اول. ساخت یک چارچوب از کلیات پژوهش. همانند هر تحقیق دیگری، سؤالی مناسب است که فرایند پژوهش را با محدود کردن آنچه باید جستجو شود، شکل دهد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سؤال است: ریشه‌های فساد اداری در سازمان‌های دولتی جوامع در حال توسعه چیست؟

مرحله دوم. جستجو و انتخاب پژوهش‌های مرتبط. با جستجوی اولیه با استفاده از ترکیبی از واژگان کلیدی «فساد اداری»، «ریشه‌ها»، «علل»، «دلایل»، «عوامل» طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۵ در پایگاه‌های داده‌ی الکترونیکی دانشگاهی شامل Scopus, Oxford, Cambridge, Jstor, Springer, ScienceDirect, Proquest, Elsevier, Google,

عواملی که فساد را پیش‌بینی می‌کنند، با توسعه‌یافتگی کمتر و احتمالاً وابستگی به صادرات منابع نفتی، آزادی تجاری کمتر و مقررات تحمیلی مرتبط است [۲۷]. در پژوهش دیگری، علل فساد بر نبود رقابت، انحراف خط‌مشی، ساختار نظام سیاسی، حقوق عمومی و نیز پیشینه استعماری، جنسیت و دیگر ابعاد فرهنگی اشاره می‌کند [۱۶].

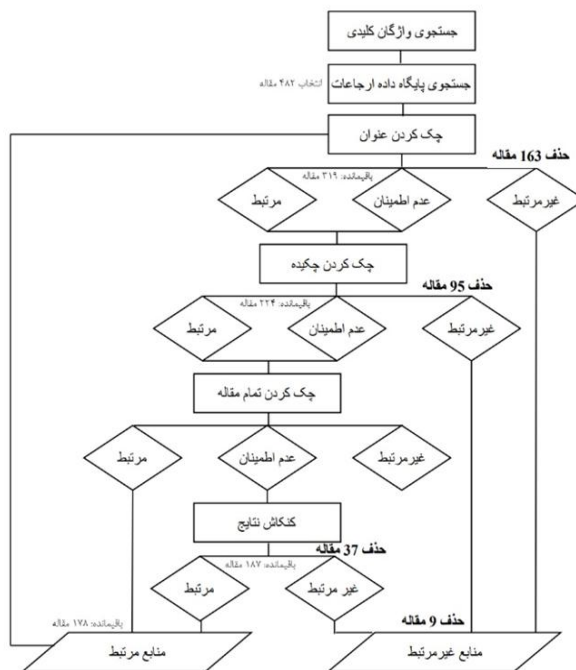
بررسی پیشینه نظری و مطالعات مرتبط با مفهوم فساد اداری در ادبیات سازمان، نشان می‌دهد نوعی آشفتگی و عدم تناسب در میان مطالعات وجود دارد. همین امر سبب شده اندیشمندان علوم اجتماعی، در صدد ارائه انواع گونه‌شناسی‌ها و راهکارهای نوین برای طبقه‌بندی و متمایزسازی انواع فساد اداری و دلایل آن برآیند. علاوه بر آن، بسیاری از پژوهش‌ها درباره‌ی فساد اداری، اغلب به این دلیل که جهت‌گیری رشته‌ای‌شان آن‌ها را محدود می‌کند، یکی از سطوح تحلیل خرد، متوسط و یا کلان را برگزیده و تنها بر بخشی از جوانب یک سطح تمرکز کرده‌اند. تجارب رزاکرمن، ۱۹۹۹؛ کایدن و همکاران، ۲۰۰۱؛ دوگراف، ۱۳۹۴ در کشورهای گوناگون نشان می‌دهند مدل منحصر به فردی در دست نیست که بتوان بر اساس آن ریشه‌های بروز فساد اداری را چنان ساختار بندی کرد که خطرات بروز فساد به حداقل برسد [۱] [۱۱] [۲۳]؛ بنابراین تبیین ماهیت فساد اداری در جوامع در حال توسعه پیش از راهبردهای ملی یا سازمانی مبارزه با فساد اداری، به ریشه‌شناسی عوامل ایجاد آن نیازمند است. از این رو، علت‌شناسی فساد اداری در بخش دولتی، از چالش برانگیزترین مفاهیم علوم اجتماعی در این جوامع می‌باشد.

می‌توان اذعان داشت ممانعت از فساد یا درمان آن در سازمان‌های دولتی، از اصول علمی لازم و مبنای نظری کافی برخوردار نبوده است. در پاسخ به چرایی‌های فساد سازمانی، کایدن و همکاران (۲۰۰۱) بیان کرده‌اند «همان‌طور که رفتارهای فاسد متنوعی وجود دارد، عوامل بسیاری نیز وجود دارد که منجر به فساد می‌شود، بنابراین تبیین‌های بسیاری ارائه می‌شود که طبقه‌بندی آن‌ها در هر حالت نظام‌مندی، سخت و دشوار است» [۱۱]. هیوود (۱۹۹۷) اضافه می‌کند «پیچیدگی این پدیده، فراهم‌سازی تعداد جامعی از علل فساد اداری را ناممکن کرده است» [۱۸]. کایدن، دویودی و جبرا منابع فساد اداری را روان‌شناختی، ایدئولوژیک، بیرونی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فناورانه می‌دانند؛ اما همه‌ی عواملی که منجر به فساد اداری می‌شوند، یقیناً علل فساد اداری نیستند. پژوهش‌های زمینه‌ای شرایطی را که منجر به فساد می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهند؛ از آنجا که شرایط همیشه پدیدار نمی‌شوند، نمی‌توان آن‌ها را به معنای علت در نظر گرفت [۷] [۸] [۹] [۱۰]؛ علاوه بر آن، امر دیگری نیز مسأله را دشوارتر می‌سازد؛ در نظریه‌ی علمی در مورد اینکه چه چیزی علت را تشکیل می‌دهد توافقی وجود ندارد [۱۵] [۲۵].

در این پژوهش، به‌منظور مدیریت فساد اداری، ریشه‌های فساد اداری و علل ایجاد آن در سازمان‌های بخش دولتی جوامع در حال توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بنابراین ابتدا با مطالعه مبنای نظری، عوامل، محرک‌ها، پیش‌ران‌ها، تقویت‌کننده‌های مرتبط با وقوع این پدیده شناسایی

Google Scholar، ۴۸۲ مقاله انگلیسی‌زبان انتخاب شد.

مرحله سوم. در نظر گرفتن معیارهای انتخاب پژوهش. غربالگری و حذف مقالات طی چهار مرحله چک کردن (۱) عنوان، (۲) چکیده، (۳) نتایج و (۴) منابع انجام شد. در هر یک از مراحل ۱۶۳، ۹۵، ۳۷ و ۹ مقاله پیرمربط حذف شد و در نهایت ۱۷۸ مقاله باقی ماند.



شکل (۲): فرآیند جستجو، بازیابی و اعتبارسنجی هریس

مرحله چهارم. ارزیابی پژوهش‌ها. به منظور ارزیابی کیفیت پژوهش‌های منتخب از چک‌لیست^۱ CASP استفاده شد. این چک‌لیست مشتمل بر ده سؤال است که کمک می‌کند محقق بتواند پایایی، اعتبار و ارزش مطالعه‌های کیفی منتخب را مشخص کند. این سؤالات عبارتند از: (۱) پژوهش، پیرامون سؤال مشخص انجام شده است؟ (۲) نویسندگان پژوهش، به دنبال مقالات مناسبی بوده‌اند؟ (۳) از نظر شما پژوهش‌های مهم گنجانده شده است؟ (۴) نویسندگان به اندازه کافی کیفیت پژوهش‌ها را ارزیابی کرده‌اند؟ (۵) بر اساس یافته‌ها انجام چنین پژوهشی منطقی می‌نمود؟ (۶) یافته‌های کلی پژوهش چیست؟ (۷) دقت یافته‌ها چقدر است؟ (۸) یافته‌ها قابلیت تعمیم دارند؟ (۹) پیامدهای مهم در نظر گرفته شده است؟ (۱۰) ارزش حاصل از فواید این پژوهش، هزینه‌های آن را جبران می‌کند؟ بر این اساس پژوهشگر با پاسخ‌دهی به مجموعه سؤالات در رابطه با هر مقاله، به هر یک از مقالات بر مبنای سیستم امتیازدهی [۱۴]، عالی (۴۰-۵۰)، خیلی خوب (۳۰-۳۹)، خوب (۲۰-۲۹)، متوسط (۱۰-۱۹) و ضعیف (۰-۹)، امتیاز می‌دهد [۲۹]. بر اساس امتیازهای داده شده در فرآیند ارزیابی در نهایت از میان ۱۷۸ مقاله باقیمانده، ۱۰۰ مقاله با درجه عالی انتخاب شد.

¹ Critical Appraisal Skills Programme

مرحله پنجم. مقایسه پژوهش‌ها و تعیین همگرایی‌ها و واگرایی‌ها. با نهای شدن پژوهش‌های منتخب، برای تعیین همگرایی‌ها و واگرایی‌های دیدگاه‌های نویسندگان، مقایسه‌ای میان مقالات انجام شد. به این منظور، پژوهشگر استعاره‌های کلیدی، عبارات، ایده‌ها، مفاهیم و روابط موجود در هر مقاله را طی یک فرآیند توصیفی- تفسیری به عنوان داده‌های خام شناسایی کرد و از این طریق، شبکه‌ای از کدهای اولیه ایجاد شد. کدها، علائم یا برچسب‌هایی هستند که در طول مطالعه از آن‌ها برای تخصیص واحدهای معنایی به اطلاعات توصیفی یا استنباطی گردآوری شده، استفاده می‌شود [۵]. همان‌طور که جنسن و آلن [۱۹] توضیح می‌دهند، این یک فرآیند دوطرفه است. بخش اول دقیقاً از وجوه اشتراک مفاهیم ایجاد می‌شود در حالی که بخش دوم، دیالکتیک مربوط به مطالعات است که از طریق افتراق میان مفاهیم، شناسایی شده و در نتیجه همگنی‌ها و ناهمگونی‌های میان مفاهیم مشخص می‌شوند.

مرحله ششم. تبدیل کدهای اولیه به مفاهیم و مقوله‌ها. کدگذاری داده‌های کیفی معنا و نقش مهمی در پژوهش کیفی دارد. پژوهشگر داده‌های خام را در قالب طبقات مفهومی سازمان داده و مقوله‌ها را خلق می‌کند [۵]. گاهی وجوه اشتراک کدها بیش از حد آشکار است و مواقعی ابهام موجود در کدها نیازمند چند باره‌خوانی متن مقالات است. در این حالت از کدها به‌عنوان تبدیل فریبکارانه یاد می‌کنند [۲۱]. در این مرحله واگرایی میان کدها به ایجاد مفاهیم و پس از آن واگرایی مفاهیم به ایجاد مقوله‌ها منجر شد و سپس به تغییر نحوه کدگذاری، و یا همپوشی با کدهای قبلی پرداخته شد.

مرحله هفتم: ترکیب. در فاز نهای، خوشه‌های مفاهیم و مقولات به‌طور مستمر، مورد بازبینی قرار گرفته، تصحیح شدند [۱۲]. پایایی. پژوهشگرهای کیفی به دنبال سازگاری نتایج در اثر تکرار کدگذاری هستند که این امر به معنای ثبات یا سازگاری است [۴]. در این پژوهش به منظور اطمینان از شیوه کدگذاری، از روش هولستی برای محاسبه پایایی استفاده شد که فرمول آن چنین است:

$$PAO = 2M / (n1 + n2) = 2(99 / (157 + 113)) = 73 \% \quad (1)$$

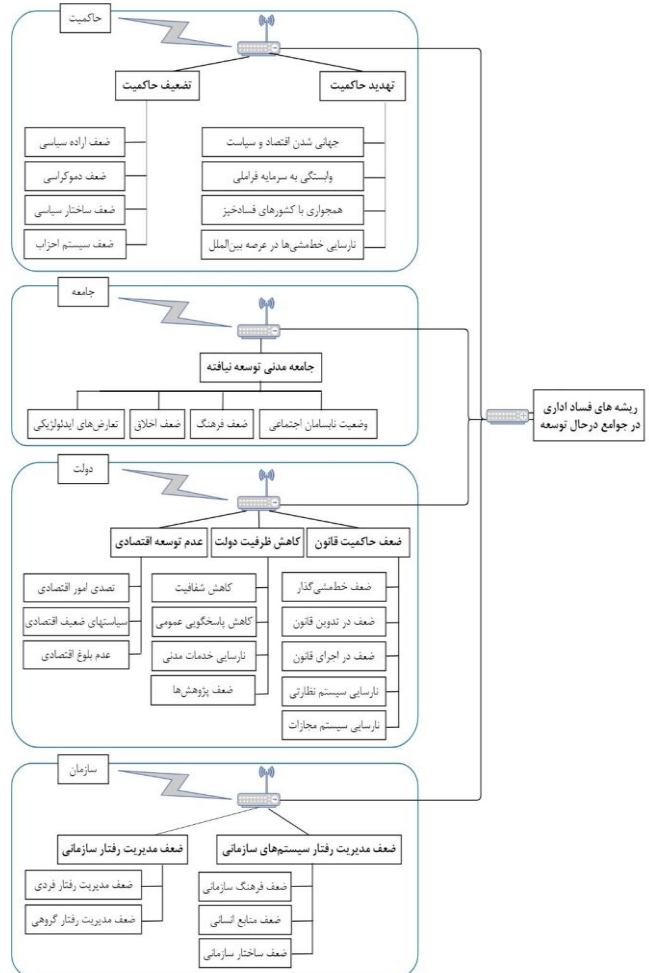
که در آن PAO ضریب پایایی و به معنی درصد توافق مشاهده شده، M تعداد همسانی دو مرحله کدگذاری، n1 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. با توجه به نتیجه حاصل از فرمول محاسبه ضریب پایایی، یافته‌های تحقیق از قابلیت اعتماد زیادی برخوردار است [۳]. نتایج کدگذاری در جدول ۱ با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA Analytics Pro آمده است. **مقوله‌ها.** همه‌ی داده‌ها و کدها در مرحله ششم و هفتم مورد بررسی قرار گرفت تا پژوهشگر مقوله‌های اصلی را از طبقات کدگذاری مفهومی، شناسایی و انتخاب کند. برای تدوین مقوله‌های اصلی دو پرسش در رابطه با کدها و مفاهیم استخراج شده مطرح شدند: آیا می‌توان چندین مفهوم مرتبط یا یکدیگر را برای ایجاد یک دسته‌بندی کلی‌تر با هم ترکیب کرد؟ و آیا می‌توان مفاهیم را درون یک توالی سازمان‌دهی کرد؟ با در نظر گرفتن این دو سؤال، ترسیم مکرر و چرخه‌ای درخت‌واره‌ی تعاملات میان

تضعیف حاکمیت ملی	ضعف اراده سیاسی ضعف دموکراسی ضعف ساختار سیاسی ضعف سیستم احزاب
جامعه مدنی توسعه نیافته	وضعیت نابسامان اجتماعی ضعف فرهنگ تضعیف اخلاق در جامعه تعارض‌های ایدئولوژیکی
ضعف حاکمیت قانون	ضعف خط‌مشی‌گذار ضعف در تدوین قانون ضعف در اجرای قانون نارسایی سیستم نظارتی نارسایی سیستم مجازات
کاهش ظرفیت دولت	کاهش شفافیت کاهش پاسخگویی عمومی نارسایی خدمات مدنی ضعف پژوهش‌ها
عدم توسعه اقتصادی	تصدی امور اقتصادی توسط دولت سیاست‌های ضعیف اقتصادی عدم بلوغ اقتصادی دولت
ضعف مدیریت رفتار سیستم‌های سازمانی	ضعف فرهنگ‌سازمانی ضعف منابع انسانی نارسایی ساختار سازمانی
ضعف مدیریت رفتار سازمانی	ضعف مدیریت رفتار فردی ضعف مدیریت رفتار گروهی

۳- یافته‌ها

عوامل، محرک‌ها، پیشران‌ها، تقویت‌کننده‌های مرتبط با وقوع پدیده فساد اداری و شرایطی که آن را تسهیل می‌کند، حاکی از آن است که تبیین فساد اداری، در سطوح مختلف تحلیل جای دارد. اگرچه بسیاری از پژوهشگران اغلب به این دلیل که جهت‌گیری رشته‌ای‌شان آن‌ها را محدود می‌کند، در یک یا دو مورد از سطوح تحلیل تمرکز کرده‌اند؛ تعداد اندکی از آن‌ها منکر این امر هستند که چالش واقعی در ارتباط این سطوح با یکدیگر است. به نظر می‌رسد چهارچوب جامعی که علل فساد را در سطوح مختلف با عوامل گوناگون ارتباط می‌دهد می‌تواند مفید باشد. بسیاری از فسادپژوهان، در فهم اینکه فساد اداری در کدام سطح خود را آشکار کرده، دچار چالش هستند. گاهی این امر با هر آنچه در بخشی از ادبیات پژوهشی به مثابه علت ذکر شده بیان شده است. نمونه‌های دیگر به پژوهشگرانی مربوط‌اند که آگاهانه تلاش می‌کنند عوامل چند سطحی موجود در مطالعات تجربی را ترکیب کنند. همه‌ی علل در سطوح خرد (انگیزه‌های فرد و شرایط سازمان)، میانی (دولت) و کلان (جامعه، حاکمیت) به‌عنوان علل فساد، محتمل به نظر می‌رسند. در عین حال در بافت‌های مختلف جوامع در حال توسعه توافق در مورد علل فساد از حد

مفاهیم موجب شد تا مجموعه‌ای از مقوله‌ها به عنوان منشأ ایجاد مفاهیم در نظر گرفته شوند. به این منظور، پرسش‌های اکتشافی برای شکل‌گیری مقوله‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت: چیست: علل، عوامل، محرک‌ها، پیشران‌ها، تقویت‌کننده‌های مرتبط با وقوع پدیده فساد اداری چیست؟



شکل (۳): علل فساد اداری در جوامع در حال توسعه

چه کسی: چه کسی (چه چیزی) باعث فساد می‌شود؟ کجا و چه وقت: آنچه عامل ارتکاب فساد انجام می‌دهد، در کجا و چه وقت روی می‌دهد؟ چگونه: فساد چگونه رخ می‌دهد و چه شرایط سیاسی، قانونی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن را تسهیل می‌کند؟ چرا: چرا عامل ارتکاب فساد این گونه کنش (واکنش) نشان می‌دهد؟ جدول (۱) عناوین انتخاب شده برای مقوله‌های اصلی و شکل (۳) الگوی حاصل از کدگذاری را نشان می‌دهد.

جدول (۱): طبقه‌بندی مقوله‌ها و مفاهیم

مفاهیم	مقوله‌ها
جهانی شدن اقتصاد و سیاست وابستگی به سرمایه فراملی هم‌جواری با کشورهای فسادخیز نارسایی خط‌مشی‌ها در عرصه بین‌الملل	تهدید حاکمیت ملی

«میانی» می‌توانند فساد سیاسی و بوروکراتیک را محدود یا تحریک کنند. هرچه روابط سازمانی بین سیاستمداران و بوروکرات‌ها و روابط بین آن کارکنان و بخش خصوصی نزدیک‌تر باشد، فساد دولتی بیشتر می‌شود. یکی از جنبه‌های این رابطه این است که سازمان‌ها چیزی برای ارائه کردن داشته باشند؛ جنبه دیگر این است که خط‌مشی‌های سازمانی در کلام و عمل چه پیامی درباره مقبولیت فساد به فرد و گروه می‌فرستند؛ اگر فساد در سرتاسر سازمان عملی پذیرفته شده باشد نمی‌توان از فرد یا گروه انتظار داشت متفاوت رفتار کنند. با وجود این، اهمیت دادن به اخلاق از سوی مدیران، رفتار خرد مشابه را تضمین نمی‌کند. برخی از افراد، باز هم به دلیل شرایط و خصوصیات «فردی» همچون ارزش‌ها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها با توجه به فرصت‌ها و امکانات امکان ارتکاب فساد را پیدا می‌کنند. ظاهراً ناراضی بودن از سازمان از این حیث اهمیت بسیاری دارد.

بسیاری از عوامل فردی و سازمانی، ویژگی‌های سطح کلان نیز هستند. فرهنگ جامعه می‌تواند کمتر یا بیشتر فردگرایانه، سرکوب‌کننده یا مبتنی بر شکیبایی باشد. دستگاه‌های سیاسی، بوروکراتیک و بخش خصوصی یک جامعه می‌توانند کمتر یا بیشتر به هم پیوسته بوده، کمتر یا بیشتر بر قانون و ضمانت‌های اجرایی یا بر درستکاری و ارزش‌ها تکیه کنند. از این نظر انتقاد بسیاری از پژوهشگران خرد و میانی مبنی بر این که پژوهشگران کلان، بافت واقعی فساد موجود را نادیده می‌گیرند درست است. در پژوهش‌های که انجام می‌شود می‌بایست در مورد اثر متقابل پیامدهای چندسطحی حساس‌تر بود. با این وجود، این امر در مورد ناقدان بی‌اطلاع نیز صدق می‌کند. هنگامی که پژوهشگران خرد و میانی، فساد خاصی را به تصویر می‌کشند اغلب بافت کلان گسترده‌تر را نادیده می‌گیرند. سیاست، فرهنگ و اقتصاد مهم‌اند و اغلب در بافت خاص رفتار منعکس می‌شوند.

۴- نتیجه گیری

این پژوهش، با هدف مطالعه ریشه‌های فساد اداری در جوامع در حال توسعه انجام شد. به‌منظور مقابله فساد اداری، ریشه‌ها و علل ایجاد آن در سازمان‌های بخش دولتی جوامع در حال توسعه با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت؛ عوامل، محرک‌ها، پیشران‌ها، تقویت‌کننده‌های مرتبط با وقوع این پدیده کدگذاری شده و سپس یافته‌ها در قالب مفاهیم و مقوله‌ها احصاء شد. چارچوب جامع این پژوهش در درک پدیده پیچیده فساد نقش بسزایی داشته و همچنین به ایجاد ارتباط میان سطوح تحلیل کمک می‌کند. لازم است که مبارزه‌کنندگان با فساد اطلاعات علی تأمل‌برانگیزی در اختیار داشته باشند تا بتوانند با چالش‌های بیرونی وفق پیدا کنند؛ به‌ویژه آن‌ها به اطلاعاتی نیاز دارند که علل قابل کنترل در آن نشان داده شده باشد. بعد زمانی علیت در علوم اجتماعی و رفتاری، باعث می‌شود توجه علی به‌شدت به شرایط وابسته باشد؛ هنگام مواجهه با پدیده اجتماعی پیچیده‌ای مانند فساد از جنبه نظری و عملی، شاید مهم‌ترین نکته‌ای که این پژوهش یادآوری می‌کند «سطوح تحلیل» فساد است. نوع عینک تحلیلی که انتخاب می‌شود تعیین‌کننده پژوهشی است

مورد انتظار بیشتر است. در همه نقاط این جوامع چه فقیر و چه غنی، فساد با چند عامل همراه است: تهدید و تضعیف حاکمیت، جامعه مدنی توسعه‌نیافته، در سطح میانی، ضعف حاکمیت قانون، کاهش ظرفیت دولت، نبود توسعه اقتصادی، و در سطح سازمانی، ضعف مدیریت رفتار سیستم‌های سازمانی و ضعف مدیریت رفتار سازمانی.

در سطوح «خرد» ویژگی‌های متعددی حائز اهمیت هستند (شخصیت، نگرش، ادراک، ارزش‌ها، هیجانات). مطالعات ارائه شده نشان داده‌اند شخصیت‌های قوی رشوه‌های بیشتری دریافت می‌کنند. هیجان نیز می‌تواند مهم باشد؛ عاشق شدن افراد را آسیب‌پذیر می‌کند. از شرایط اقتصادی کارکنان دولت نیز نمی‌توان غفلت کرد. اگر فساد تنها راه بقای اقتصادی باشد، نتیجه مشخص است. این امر به شیوه نگرش کارکنان دولت و ادراک آن‌ها در مورد اینکه در سازمان و در جامعه با او چگونه رفتار می‌شود، ارتباط دارد. شیوه نگرش در مورد پذیرفتنی بودن رفتار غیراخلاقی، به ارزش‌های فردی بستگی دارد که رفتار حاصل را تبیین می‌کند. این امر اغلب با ویژگی‌های «سازمان» در ارتباط است. در سطح گروهی و سازمانی رفتار و عقاید ناظران و همکاران نزدیک و همچنین محتوای شغل از نظر قدرت تصمیم‌گیری در مورد دیگران تأثیرگذار است. میزان اختیار و آزادی عمل، مستقیماً با نوع شغل، نوع ارتباط‌ها و قرار داشتن در شبکه معتمد و پایدار در ارتباط است. علل مهمی که در درون سازمان فساد را توجیه می‌کنند یا حتی آن را می‌طلبند عبارت‌اند از ضعف سیستم انضباطی، ضعف مدیریت پرداخت‌های مستقیم و غیرمستقیم، ضعف سیستم بهسازی، ضعف سیستم جذب و ارتقاء، ضعف فرهنگ سازمانی و نارسایی در ساختار؛ همچنین عوامل مهم در سطح میانی عبارت‌اند از سطح و ثبات توسعه‌نیافتگی اقتصادی، ظرفیت دولت و حاکمیت قانون؛ در سطح کلان، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، عدالت ادراک شده از سوی حاکمیت، ویژگی‌های نظام پاسخگویی دموکراتیک شامل آزادی رسانه و میزان مشارکت شهروندان و قدرت نظام قضایی حائز اهمیت بسیار است. البته این موارد با عوامل ذکر شده که در سطح گروهی و فردی موجب فساد می‌شوند در ارتباط هستند. در شکل ۳ عوامل مهمی که به علل فساد در بخش دولتی جوامع در حال توسعه مربوط است به صورت الگویی شماتیک آمده است.

فساد در جوامع در حال توسعه، نخست با شرایط «کلان» سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ارتباط است و در مرکز آن این ایده قرار دارد که میزان فساد در کشور به عدالت ادراک شده از سوی جامعه، اقتصاد و خط‌مشی‌های موجود بستگی خواهد داشت. بخش‌هایی از جمعیت از لحاظ قدرت و ثروت سهم عادلانه خود را از منافع دریافت نمی‌کنند، منفعت شخصی حاصل از قدرت دولتی به یک روش زندگی توجیه‌پذیر تبدیل می‌شود. این امر در مورد همه جوامع فقیر و غنی در حال توسعه صدق می‌کند. انتظار می‌رود ایده عدالت با اخلاقیات شهروندان از جمله دیدگاه‌های آن‌ها در مورد مقبولیت رفتار فاسد انطباق داشته باشد. با وجود این، همه سازمان‌ها و افراد فاسد نمی‌شوند. آنچه آن‌ها انجام می‌دهند تحت تأثیر بافت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلان قرار می‌گیرد. عوامل سازمانی و فردی نیز مهم‌اند. علل

می‌رسد در تحلیل علل فساد، پدیده فساد را بایستی به صراحت مشخص کرد؛ اینکه درصدد توضیح چرایی چه فسادی از سوی چه کسی هستیم، چه چیزی موجب می‌شود افراد در سازمان‌های بخش‌های دولتی فاسد شوند و کدام نوع از مصادیق فساد مورد نظر ماست، تمرکز ما بر فسادهای کلان‌نخبگان سیاسی و دولتمردان است یا بر خرده فساد بوروکرات‌های خیابانی. پاسخ‌ها با توجه به سؤال پژوهشی و معلول منتخب تغییر خواهند کرد؛ اما آنچه بدیهی است این است که در همه موارد واقعی فساد، سطوح خرد، میانی و کلان در ارتباط هستند و به آسانی می‌توان تأثیر علل چندسطحی را تشخیص داد. لیکن در تحلیل فساد اداری نوع و میزان همبستگی عوامل علی در سطوح مختلف مشخص نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود با استفاده از «مطالعه موردی»، مطابق مدل پیشنهادی، بافت رفتاری فرد و گروه، بافت سازمانی (ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، منابع انسانی)، بافت دولتی (حاکمیت قانون، ظرفیت دولت، و توسعه اقتصادی) و همچنین بافت اجتماعی گسترده‌تر شامل وضعیت اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های اخلاق عمومی جامعه و حاکمیت مورد مطالعه قرار گیرند. به‌راحتی می‌توان گفت که عوامل در همه سطوح مهم هستند اما اینکه چگونه می‌توان مانع از سردرگمی در میان علل پیچیده و چندسطحی فساد شد و اینکه کدام یک از عوامل متعدد در بافت بسیار پیچیده فساد واقعاً سهمیم است به پژوهش‌های موردی تجربی بستگی دارد. به نظر می‌رسد نتایج حاصل از پژوهش‌های موردی منجر به فرضیه‌هایی می‌شود که در پژوهش‌های آتی می‌توانند مورد آزمون واقع شوند.

همچنین، در غالب پژوهش‌های پیشین، توجه کمی به قربانیان فساد شده است. بعضی فسادها مربوط به توسعه نیافتگی هستند و عموماً قشر آسیب‌پذیر بیش از همه دچار پیامدهای حاصل از فساد خواهند شد. پژوهش‌های اندکی درباره‌ی طرف «ثالث» یعنی قربانیان مستقیم فساد صورت گرفته است. کسانی که در فساد دست دارند منکر آسیب رساندن یا قصد آسیب رساندن هستند و سعی می‌کنند از مفهوم فساد اجتناب کنند و از این‌رو اعمال خود را از قید گفتمان اخلاقی آزاد می‌کنند. برای پژوهشگران فساد پیشنهاد می‌شود مشخصاً قربانی و آسیب را مورد شناسایی قرار دهند. زیرا در این صورت می‌توان امیدوار بود که قربانیان اصلی فساد موردتوجه قرار گیرند.

که در حوزه فساد انجام می‌دهیم. در مورد علل فساد، چیزی را که ممکن است برخی ناهمگونی گیج‌کننده بنامند می‌توان چندگانگی مطلوبی قلمداد کرد که باعث پرمایه‌تر شدن جعبه ابزار تحلیلی پدیده‌هایی می‌شوند که مغفول واقع شده‌اند. پژوهشگران می‌توانند در تحلیل فساد موجود در کشورهای در حال توسعه ارتباط میان عوامل علی سطوح مختلف را بیابند. چنین چارچوب چندسطحی جامعی، به پیشروی تجربی و نظری کمک خواهد کرد. چالش واقعی برای پژوهشگران این حوزه، ضرورت ساخت نظریه‌ای برای درک علل چندسطحی فساد است که علل بالقوه و ارتباط آنها را با یکدیگر در چارچوبی بهم پیوسته ترکیب کند.

همه‌ی علل در سطوح خرد (انگیزه‌های فرد و شرایط سازمان)، میانی (دولت) و کلان (جامعه، حاکمیت) به عنوان علل فساد، محتمل به نظر می‌رسند. در عین حال در بافت‌های مختلف جوامع در حال توسعه توافق در مورد علل فساد از حد مورد انتظار بیشتر است. نتایج پژوهش پیش رو حاکی از آن است که در همه نقاط این جوامع چه فقیر و چه غنی، فساد با چند عامل همراه است؛ در سطح کلان، تهدید و تضعیف حاکمیت، جامعه مدنی توسعه نیافته، در سطح میانی، ضعف حاکمیت قانون، کاهش ظرفیت دولت، نبود توسعه اقتصادی، ضعف و در سطح خرد، مدیریت رفتار سیستم‌های سازمانی و ضعف مدیریت رفتار سازمانی.

در سطح خرد، ویژگی‌های فردی چون شخصیت، نگرش، ادراک، ارزش‌ها، هیجانات و روحیات خاص هستند اما می‌توانند به فرهنگ گسترده‌تر مربوط باشند، تعریف ارزش‌های شخصی و قضاوت اخلاقی اغلب با ارزش‌های اجتماعی و سازمانی در ارتباط بوده و تحت تأثیر آن‌ها قرار دارد و این امر در مورد وضعیت مالی و اقتصادی شخصی، نظام پاداش‌دهی سازمانی و مرتبه اقتصادی نیز صدق می‌کند. عوامل برخاسته از ساختار سیاسی و سازمانی نیز قرائین خود را در ویژگی‌هایی نظیر روابط در محل کار و میزان اختیارات فرد و گروه دارند. قطعاً سازوکارها و شرایط ایجادکننده فساد نباید به علل احساس شده محدود شوند؛ ارزش‌ها و فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ساختار اجتماعی درهم‌تنیده هستند و علل فساد ابعاد مختلفی دارد. گزینش انواع عوامل به‌وضوح به پرسش ویژه‌ای بستگی دارد که ما درصدد پاسخگویی به آن هستیم. تبیین یک «مورد» از فساد نیازمند مجموعه دیگری از عوامل است که با مجموعه عوامل تبیین‌کننده میزان فساد هر جامعه متفاوت است. آنچه موردتوجه رویکرد چندگانه قرار دارد نیاز به حساسیت بیشتر در مورد ویژگی‌های چندسطحی و چندعاملی روابط علی است.

آنچه در تحقیقات مطالعه شده با کاستی همراه است، مطالعات موردی مقایسه‌ای در مورد میزان و ویژگی‌های فساد در کشورهای مختلف است. مطالعات خرد بیش‌ازحد محلی هستند و مطالعات کلان از نظر متغیرهای مورد مطالعه بیش از حد یکنواخت می‌باشند. به نظر می‌رسد رابطه درونی میان علل در سطوح مختلف باید بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد. ظاهراً هر سطح از تحلیل چندین علت، شرط، متغیر، یا عامل بسیار خاص داشته با این وجود، برخی از آن‌ها بیشتر می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. به نظر

منابع و مأخذ

- [23] Rose-Ackerman, S., (1999), **Corruption and Government**, Causes, Consequences, and Reform, Cambridge: Cambridge University Press.
- [24] Sandelowski, M., Barroso, J., Voils, C. I., (2007), **Using Qualitative Metasummary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings**, *Research in nursing & health*, 30(1), 99-111.
- [25] Tilly, C., (2000), **Processes and Mechanisms of Democratization**, *Sociological Theory*, 18(1), 1-16.
- [26] Transparency International, (2016), **Annual Survey: Corruption Perception Index**, Retrieved from https://www.transparency.org/news/feature/corruption_perceptions_index_2016.
- [27] Treisman, D., (2007), **What Have We Learned about The Causes of Corruption from Ten Years of Cross-National Empirical Research**, *Ann. Rev. Polit. Sci.*, 10, 211-244.
- [28] Walsh, D., Downe, S., (2005), **Meta-synthesis method for Qualitative Research: a Literature Review**, *Journal of advanced nursing*, 50(2), 204-211.
- [29] White, M. D., Marsh, E. E., (2006), **Content Analysis: A Flexible Methodology**, *Library Trends*, 55(1), 22-45.
- [۱] دوگراف، خیالت، واختر، پیتر، مارافیک، پتریک فون، (۱۳۹۴)، چشم‌اندازهای نظری فساد، ترجمه هانیه هژیرالساداتی، داود حسینی هاشم‌زاده، جلیل یاری، محمد فاضلی. تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- [۲] عباس‌زادگان، سیدمحمد، (۱۳۸۳)، فساد اداری، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- [۳] کریبندورف، کلوس، (۱۳۸۸)، مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. نشر نی، چاپ چهارم.
- [۴] نیومن، لارنس، (۱۳۹۳)، روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، تهران، نشر ترمه. جلد اول، چاپ دوم.
- [۵] نیومن، لارنس، (۱۳۹۵)، روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، تهران، نشر ترمه. جلد دوم، چاپ دوم.
- [6] Bender, J. L., Yue, R. Y. K., To, M. J., Deacken, L., Jadad, A. R., (2013), **A Lot of Action, but not in The Right Direction: Systematic Review and Content Analysis of Smartphone Applications for The Prevention, Detection, and Management of Cancer**, *Journal of Medical Internet Research*, 15(12).
- [7] Bourdieu, P., (1977), **Outline of a Theory of Practice**, Cambridge University Press.
- [8] Bourdieu, P., (1990), **the Logic of Practice**, Stanford: Stanford University Press.
- [9] Bourdieu, P., (1998), **Practical Reason**, Cambridge: Polity Press.
- [10] Bourdieu, P., Wacquant, L. J. D., (1992), **an Invitation to Reflexive Sociology**, Chicago: The University of Chicago Press.
- [11] Caiden, G. E., Dwivedi, O. P., Jabbara, J. G., (2001), **Where Corruption Lives**, Bloomfield: Kumarian Press.
- [12] Elo, S., Kyngäs, H., (2008), **the qualitative content analysis process**, *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115.
- [13] Finfgeld, D. L., (2003), **Metasynthesis: The state of the art-so far**, *Qualitative health research*, 13(7), 893-904.
- [14] Frisch, D., (1994), **The Effects of Corruption on Development, paper presented to the Africa Leadership Forum on Corruption, Democracy and Human Rights in Africa**, Cotonou, Benin, 19-21 September 1994.
- [15] Gerring, J., (2005), **Causation – A Unified Framework for the Social Sciences**, *Journal of Theoretical Politics*, 17, 2, pp. 163-198.
- [16] Graf L. J., (2005), **Consequences and Causes of Corruption: What Do We Know From a Cross-Section of Countries**, Vol. 34, No. 05, Passauer Diskussionspapiere: Volkswirtschaftliche Reihe.
- [17] Harrison, M., (2003), **Can Corrupt Countries Attract Foreign Direct Investment? A Comparison of FDI Inflows between Corrupt & Non.Corrupt Countries**, *International Business and Economics Research Journal*, Vol 2. N. 9.
- [18] Heywood, P., (1997), **Political Corruption: Problems and Perspectives**, *Political Studies*, 45, 3, pp. 417-435.
- [19] Jensen, L. A., Allen, M. N., (1996), **Meta-synthesis of qualitative findings**, *Qualitative health research*, 6(4), 553-560.
- [20] Okoli, C., Schabram, K., (2010), **A Guide to Conducting a Systematic Literature Review of Information Systems Research**, *Sprouts: Working Papers on Information Systems*, 10(26). <http://sprouts.aisnet.org/10-26>.
- [21] Noblit, G. W., Hare, R. D., Hare, R. D., (1988), **Meta-ethnography**, synthesizing qualitative studies, Vol. 11, Sage.
- [22] Pillay, S., (2004), **Corruption—the challenge to good governance: a South African perspective**. *International Journal of Public Sector Management*, 17(7), 586-605.